info@payamdaily.ir

تحتین روزنامه صبح البرز
شماره ۴۶۷۷
شنبه ۸ دی / ۱۴۰۳
۲۶ / جمادی الثانیه / ۱۴۴۶
28 / December / 2024

پیام آشنا

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۲۴۲-۰۲۶، فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

فال روز

امروز با حافظ

چنان بزی که اگر خاکِ رَه شوی کس را
غبارِ خاطری از رَه گذارِ ما نرسد
بسوخت حافظ و ترسم که شرحِ قصهٔ او
به سمعِ پادشهِ کام‌گارِ ما نرسد

فرازه

مَرا از صافیِ مَشرَب، زِ خود
دانند، هر قومی
که هر ظرفی، به رنگِ خود
بَرآرد، آبِ روشن را
صائب تبریزی

فال گرم

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۴۴	۰۷:۱۵	۱۲:۰۹	۱۷:۰۱	۱۷:۲۱

برگه

زندگی‌ات را مدیریت کن، در غیر این صورت او تو را مدیریت می‌کند...

جیم ران

گزارش روز

ایده‌های تنش‌زای تاجر دیوانه؛ از پاناما تا کانادا

آپدیت جدید ترامپ

رویکرد ترامپ در قبال کانال پاناما و کانادا از یک منطق مشابه پیروی می‌کند؛ احساس مالکیت و دخالت در امور کشورهای مستقل.

به گزارش پیام آشنا به نقل از صبح نو، در پی اظهارات تهدیدآمیز اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا علیه کانال پاناما و اشاره به سیطره احتمالی ایالات متحده بر این آبراه استراتژیک، شهروندان پاناما با برگزاری تظاهرات اعتراضی، خشم خود را نسبت به این سخنان ابراز کردند. در جریان این تجمع، معترضان با حمل پلاکاردهایی حاوی شعارهایی علیه سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا، اقدام به آتش زدن پرچم آمریکا و تصاویر ترامپ کردند. این حرکت نمادین، واکنشی به تهدیدات ترامپ علیه حاکمیت ملی پاناما و تلاش او برای زیر سوال بردن استقلال این کشور است. کانال پاناما که یکی از مهم‌ترین مسیرهای دریایی جهان محسوب می‌شود، از دیرباز مورد توجه ایالات متحده بوده است. با این حال، از زمان واگذاری مدیریت کامل آن به پاناما در سال ۱۹۹۹، این کشور کنترل کامل بر این آبراه را در دست داشته است. اظهارات اخیر ترامپ، نگرانی‌هایی را درباره بازگشت مداخلات آمریکایی در امور داخلی پاناما به وجود آورده و سبب افزایش تنش میان دو کشور شده است. مقامات رسمی پاناما هنوز واکنشی رسمی به این اعتراضات نشان نداده‌اند؛ اما این رویداد بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های بین‌المللی داشته است. گزارش‌ها حاکی از آن است که این اعتراضات بدون خشونت پایان یافته؛ اما احساسات ضدآمریکایی در پاناما رو به افزایش است. تحلیلگران معتقدند چنین موضع‌گیری‌هایی می‌تواند به روابط دیپلماتیک میان دو کشور آسیب وارد کند.

پیوند اعتراضات پاناما با اظهارات ترامپ درباره کانادا

رویکرد ترامپ در قبال کانال پاناما و کانادا از یک منطق مشابه پیروی می‌کند: احساس مالکیت و دخالت در امور کشورهای مستقل. تهدید به سیطره بر کانال پاناما که یک آبراه حیاتی برای تجارت جهانی است، نشان‌دهنده تمایل به تقویت نفوذ آمریکا در نقاط استراتژیک جهان است. از سوی دیگر، اظهارات وی درباره الحاق کانادا به ایالات متحده، نگرانی‌هایی جدی در مورد نقض حاکمیت ملی و بی‌احترامی به استقلال کشورهای همسایه ایجاد کرده است.

این رفتار ترامپ، نشان‌دهنده یک سیاست خارجی مبتنی بر تسلط و توسعه‌طلبی است که نه تنها کشورهای کوچک‌تر مانند پاناما، بلکه متحدان سنتی آمریکا مانند کانادا را نیز هدف قرار می‌دهد.

نگرانی‌های منطقه‌ای از سیاست‌های ترامپ

اظهارات ترامپ در مورد کانادا که بوضوح در تضاد با هویت ملی و حاکمیت این کشور است، واکنش‌های شدید سیاسی و اجتماعی در هر دو سوی مرز را برانگیخته است. این در حالی است که در پاناما تهدید به دخالت در مدیریت کانال این کشور باعث شکل‌گیری اعتراضات مردمی شده است. در یک نگاه کلان‌تر، این اقدامات به افزایش حس بی‌اعتمادی نسبت به سیاست‌های واشنگتن در کل منطقه منجر شده است. بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین و حتی متحدان نزدیک آمریکا در شمال، اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که ترامپ برای تأمین منافع خود از هیچ اقدامی، حتی زیر سوال بردن استقلال سیاسی و اقتصادی آنها دریغ نمی‌کند.

ترامپ جدید با آپدیت توسعه‌طلبی

سیاست‌های توسعه‌طلبانه ترامپ می‌تواند تبعات گسترده‌ای برای جایگاه جهانی آمریکا داشته باشد. افزایش احساسات ضدآمریکایی در کشورهایی مانند پاناما و تضعیف روابط واشنگتن با متحدان قدیمی مانند کانادا، می‌تواند منجر به انزوای بیشتر ایالات متحده در عرصه بین‌المللی شود. از سوی دیگر، این سیاست‌ها بطور مستقیم اقتصاد منطقه را تحت تأثیر قرار داده و زمینه‌سازی بی‌ثباتی بیشتر خواهد شد. اعتراضات پاناما و واکنش‌ها به اظهارات ترامپ درباره کانادا، بازتابی از سیاست خارجی چنجالی اوست که بسیاری از کشورها را نسبت به نیات آمریکا دچار تردید کرده است. اگرچه این سیاست‌ها ممکن است در کوتاه‌مدت با هدف جلب توجه داخلی طراحی شده باشند؛ اما در بلندمدت به تضعیف اعتبار جهانی آمریکا و افزایش مقاومت‌های منطقه‌ای منجر خواهند شد.

ترامپ و مالکیت کانادا؟

«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور منتخب آمریکا که قرار است بیستم ژانویه (اول بهمن) به کاخ سفید برگردد، در بحبوحه تنش‌ها با کانادا بر سر تهدیدهای فزاینده‌ای خود، بار دیگر بر این کشور احساس مالکیت کرد. ترامپ اخیرا در شبکه اجتماعی خود که «تروث سوشیال» نام دارد اظهار کرد کانادا می‌تواند به پنجاه‌ویکمین ایالت آمریکا تبدیل شود. وی با اشاره به پرداخت بیش از ۱۰۰ میلیون دلار یارانه سالانه به کانادا، این اقدام را بی‌معنی دانست و افزود: «بسیاری از کانادایی‌ها می‌خواهند کانادا به پنجاه‌ویکمین ایالت آمریکا تبدیل شود. آنها با این کار در مالیات و حفاظت نظامی صرفه‌جویی خواهند کرد. فکر می‌کنم این یک ایده عالی است. ایالت ۵۱ام!» این اظهارات پس از تهدید ترامپ به اعمال تعرفه ۲۵ درصدی بر محصولات وارداتی از کانادا و مکزیک مطرح شد؛ اقدامی که به گفته او، به مقابله با قاچاق مواد مخدر و تقویت امنیت مرزی کمک خواهد کرد. این مباحث در حالی صورت می‌گیرد که روابط میان کانادا و آمریکا در هفته‌های اخیر با چالش‌هایی مواجه بوده است. اعمال تعرفه‌های پیشنهادی ترامپ و اظهارات او درباره پیوستن کانادا به آمریکا، واکنش‌های متعددی را در هر دو کشور به دنبال داشته است.

چالش‌های چندگانه تحقق ایده ترامپ

ایده ترامپ مبنی بر الحاق کانادا به ایالات متحده از جنبه‌های مختلف حقوقی، سیاسی، اجتماعی و تاریخی چالش‌های زیادی دارد و تحقق آن بنا به دلایلی که در ادامه خواهد آمد، در عمل بسیار بعید به نظر می‌رسد.

مسائل حقوقی و قانون اساسی

کانادا یک کشور مستقل با نظام پارلمانی است که به ملکه بریتانیا به عنوان رئیس کشور وابسته است. هرگونه تغییر در وضعیت کانادا نیازمند تغییرات عمده در قانون اساسی این کشور است که نیازبه تأیید تمام استان‌ها و قلمروهای کانادا دارد. پیوستن یک کشور خارجی به ایالات متحده نیازمند اصلاح قانون اساسی ایالات متحده و تصویب توسط کنگره است که خود فرایندی دشوار و زمان‌بر است.

مخالفت‌های سیاسی و اجتماعی

کانادا دارای هویت ملی و فرهنگی متحدبه‌فدری است که با ایالات متحده تفاوت‌های زیادی دارد. بسیاری از کانادایی‌ها به استقلال و تفاوت خود از آمریکا افتخار می‌کنند. دولت فدرال و مقامات استانی کانادا شدیدا با چنین ایده‌ای مخالف هستند، زیرا آن را نقض حاکمیت ملی خود می‌دانند. در واکنش به این اظهارات «داگ فورد» رئیس دولت انتاریو تأکید کرد: «ما هرگز پنجاه‌ویکمین ایالت آمریکا نخواهیم بود. ما کانادایی هستیم و به کانادایی بودنمان افتخار می‌کنیم و همیشه برای آن خواهیم جنگید.» سیستم‌های سیاسی کانادا (نظام پارلمانی) و آمریکا (جمهوری فدرال) به شدت متفاوت هستند و ادغام این دو سیستم می‌تواند مشکلاتی جدی ایجاد کند.

پیامدهای اقتصادی

اگرچه اقتصادهای کانادا و آمریکا به شدت به یکدیگر وابسته هستند، ادغام کامل آنها می‌تواند باعث بی‌ثباتی اقتصادی شود. تفاوت‌های قابل توجه در سیاست‌های اقتصادی، مالیاتی و رفاهی میان این دو کشور از موانع اصلی هستند. کانادا دارای سیاست‌های اجتماعی و رفاهی گسترده‌ای است که با سیستم آمریکا همخوانی ندارد. ادغام این سیاست‌ها با آمریکا برای هر دو کشور هزینه‌بر خواهد بود.

مقاومت‌های بین‌المللی

کانادا به عنوان یکی از کشورهای مشترک‌المنافع بریتانیا، همچنان روابط نزدیک با این کشور دارد. هرگونه اقدامی که حاکمیت کانادا را تضعیف کند، با مخالفت لندن مواجه خواهد شد. چنین اقدامی ممکن است از سوی سایر کشورهای جهان به عنوان اقدامی امپریالیستی تلقی شود که منجر به تنش‌های دیپلماتیک خواهد شد.

پیشینه تاریخی

کانادا در طول تاریخ همواره تلاش کرده استقلال خود از ایالات متحده را حفظ کند. تلاش‌های پیشین برای الحاق بخش‌هایی از کانادا به آمریکا از جمله در جریان جنگ‌های قرن ۱۸ و ۱۹ با شکست مواجه شده‌اند. کانادایی‌ها خود را از نظر فرهنگی متفاوت از آمریکایی‌ها می‌دانند. ارزش‌های اجتماعی، دیدگاه‌ها نسبت به سیاست و سبک زندگی در این دو کشور تفاوت‌های زیادی دارد.

تبعات ایده تنش‌زای الحاق

اظهارات ترامپ درباره الحاق کانادا به آمریکا تبعات متعددی برای کاخ سفید و ایالات متحده به همراه خواهد داشت. در عرصه داخلی، این ایده می‌تواند شکاف‌های سیاسی میان دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان را عمیق‌تر کند و مخالفت‌های گسترده‌ای از سوی شهروندان و قانون‌گذاران برانگیزد. بسیاری از آمریکایی‌ها این اقدام را ناقض اصول حاکمیت ملی کشورها می‌دانند و نگران پیامدهای مالیاتی و تغییرات در ترکیب سیاسی و فرهنگی آمریکا خواهند بود. در بعد بین‌المللی، چنین اظهاراتی روابط آمریکا با کانادا را تیره‌تر می‌کند و حتی می‌تواند باعث ایجاد تنش‌های دیپلماتیک شود. کانادا این ایده را به‌عنوان تهدیدی برای استقلال ملی خود تلقی خواهد کرد و ممکن است در سیاست‌های خارجی خود به دنبال کاهش وابستگی به آمریکا برآید. از منظر اقتصادی، چنین الحاقی هزینه‌های سنگینی برای آمریکا خواهد داشت. تفاوت‌های گسترده در نظام‌های اقتصادی، مالیاتی و اجتماعی میان این دو کشور، مدیریت آنها را چالش‌برانگیز می‌کند. همچنین واکنش بازارهای مالی و سرمایه‌گذاران می‌تواند بی‌ثباتی اقتصادی به همراه داشته باشد. این اظهارات می‌تواند وجهه جهانی آمریکا را نیز بیش از پیش خدشه‌دار و آن را به‌عنوان یک قدرت امپریالیستی معرفی کند. کشورهایی که درگیر همکاری‌های نزدیک با کانادا هستند، ممکن است در واکنش به این موضوع، مواضع سخت‌تری در بین‌المللی محدود سازند. در مجموع، رویکرد ترامپ در قبال مسائل شمالی، پیامدهای منفی زیادی در حوزه سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی برای دولت او و آمریکا به دنبال دارد که از نگاه ناظران می‌توان این ایده رئیس‌جمهور منتخب را بیشتر به‌عنوان یک حرکت نمادین و سخنرانی چنجالی برای جلب توجه عمومی و نه یک برنامه عملی ارزیابی کرد بنابراین با توجه به موانع حقوقی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تحقق ایده ترامپ درباره الحاق کانادا به آمریکا تقریبا غیرممکن است. ضمن اینکه حاکمیت ملی کانادا و حمایت گسترده مردم این کشور از استقلال، سد اصلی در برابر هرگونه تلاشی برای تحقق چنین ایده‌ای خواهد بود. البته این درس بزرگی برای کانادا به‌عنوان کشوری که همکار نگاه نمی کند بلکه از ظرفیت این مجموعه ها با نگاه کاملا ابزاری بهره برداری کرده و در نهایت آنها را قربانی اهداف خود خواهد کرد آنچه امروز از سوی تحریرالشام به‌عنوان حاکمان جدید سوریه مطرح می‌شود، بیش از آنکه نشانی از ملی گرایی یا تلاش برای ثبات باشد، ابعاد دیگری از خوش رقصی آنان برای آمریکا و رژیم صهیونیستی را آشکار می‌سازد. این اقدامات، هزینه‌های سنگینی را برای آنان به همراه خواهد داشت، چرا که ملت سوریه بارها نشان داده‌اند در برابر اشغالگران و وابستگان به بیگانه ایستادگی خواهند کرد.

جبهه مقاومت، به رغم این تلاش‌ها نه تنها از مواضع خود عقب‌نشینی نخواهد کرد، بلکه با اتحاد ملت‌های منطقه، نقش خود در مقابله با اشغالگری و تروریسم را تقویت خواهد کرد. سرنوشت منطقه، نه توسط گروه‌های تروریستی و حامیان غربی آنان، بلکه توسط ملت‌های آزادی‌خواه و مقاومت مردمی رقم خواهد خورد.

اشاره

پشت پرده ادعاهای ضدایرانی تحریرالشام

ادعاهای بی اساس تحریرالشام بر علیه ایران، بیش از آنکه نشانی از ملی‌گرایی یا تلاش برای ثبات باشد، ابعاد دیگری از خوش رقصی آنان برای آمریکا و رژیم صهیونیستی را آشکار می‌سازد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از نورنیوز، گروه تحریرالشام که همچنان در فهرست گروه‌های تروریستی سازمان ملل و کشورهای غربی قرار دارد، این روزها با تغییر چهره و نمایش های سیاسی، در تلاش است تا وجهه‌ای متفاوت از خود ارائه دهد. یکی از محورهای کلیدی این تلاش، اظهارات ضدایرانی مقامات وابسته به این گروه است که با استقبال و بازنشر گسترده رسانه‌های غربی مواجه شده است.

ادعاهای ضدایرانی تحریرالشام

وزیر خارجه دولت موقت سوریه با ادعاهای واهی، ایران را به ایجاد هرج‌ومرج در سوریه متهم کرده و به «حاکمیت ملی» کشورش استناد می‌کند. این در حالی است که حضور مستشاری ایران در سوریه نقشی حیاتی در شکست گروه‌های تروریستی همچون داعش و النصره داشته و چیزی که امروز به عنوان حاکمیت ملی از آن یاد می شود حاصل همکاری حمایت و پشتیبانی ایران از دولت سوریه در جنگ با تروریسم است. شواهد حاکی از آن است که اگر اقدامات جبهه مقاومت به رهبری ایران نبود، این تروریست‌ها امنیت منطقه و حتی اروپا را به خطر می‌انداختند.

تلاش برای پنهان سازی جنایت های تروریستی

ادعاهای اخیر تحریرالشام و رسانه‌های همسو با آنها، بیش از هر چیز، تلاشی برای منحرف کردن افکار عمومی از مافیت تروریستی و جنایات این گروه در سوریه است که همچنان در خاطره مردم منطقه وجود دارد. هدف این جنگ تبلیغاتی، تضعیف نقش ایران در حمایت از محور مقاومت و مبارزه با اشغالگری و تروریسم است.

تغییر ظاهر، تغییر ماهیت؟

سران تحریرالشام از جمله جولانی با تغییر لباس و استفاده از ادبیات سیاسی، تلاش دارند چهره‌ای جدید از خود نشان دهند. اما این تغییرات ظاهری، ماهیت تروریستی و وابستگی‌های آنان به برخی قدرت‌های خارجی را تغییر نمی‌دهد. حتی غرب که این گروه را ابزاری برای تحقق اهداف خود در سوریه می‌داند، همچنان آنان را در فهرست گروه‌های تروریستی نگه داشته است. این واقعیت که غرب برای رهبران تحریرالشام جوایز میلیونی تعیین کرده، نشان‌دهنده تناقضی است که در سیاست‌های آنان وجود دارد. از این منظر، سخنان وزیر خارجه تحریرالشام، بیش از آنکه یک موضع‌گیری دیپلماتیک از سوی نماینده یک کشور باشد، تهدید آشکار یک گروه تروریستی علیه کشوری مستقل است.

غفلت از اشغالگری واقعی

در حالی که اسرائیل، ترکیه و آمریکا بخش‌هایی از خاک سوریه را اشغال کرده‌اند، تحریرالشام به جای پرداختن به این تجاوزات آشکار، ادعاهای واهی علیه ایران مطرح می‌کند. این رفتار، چیزی جز همراهی با اشغالگران و تضعیف وحدت سوریه نیست. این تناقض زمانی بیشتر آشکار می‌شود که دولت موقت تحریرالشام به جلب‌جمعیت و تغییر ترکیب قومی در مناطق مختلف سوریه اقدام می‌کند، رفتاری که ماهیت انحصارطلبانه و غیرمردمی آنان را نشان می‌دهد.

غرب و سرنوشت گروه‌های تروریستی

تاریخ نشان داده است که غرب از گروه‌های تروریستی همچون القاعده، داعش و تحریرالشام تنها تا زمانی حمایت می‌کند که منافعش تامین شود. این گروه‌ها پس از پایان تاریخ مصرفشان، به قربانیان سیاست‌های غرب تبدیل می‌شوند. نمونه‌های تاریخی از رفتار آمریکا با داعش در عراق و القاعده در افغانستان، آینده مشابهی را برای تحریرالشام ترسیم می‌کند. آمریکا به گروه‌هایی از این دست که احتمال چرخش آنان به سمت اعتقادات افراطی همواره وجود دارد هیچگاه به عنوان شریک یا حتی همکار نگاه نمی کند بلکه از ظرفیت این مجموعه ها در مسائل بین‌المللی همواره دنباله‌رو آمریکا بوده است، تلقی می‌شود و مقام‌های اتوا باید به این درک برسند که سران کاخ سفید برای دستیابی به منافع حتی به نزدیک‌ترین متحدان خود نیز رحم نخواهند کرد.

مکث

سیلی تأثیرگذار

در صورت ادامه تعرضات صهیونیست‌ها و متحدان غربی آنها علیه یمن و غزه ورود به مرحله ششم عملیات‌های یمنی‌ها علیه رژیم صهیونیستی بسیار محتمل است و مقاومت یمن در این مرحله از تسلیحات و عملیات‌های کوبنده جدیدی رونمایی خواهد کرد؛ عملیات‌هایی که ناوگان دریایی و جنگنده‌های ائتلاف غربی نیز توان مقابله با آن را نخواهند داشت و مانند عملیات اخیر یمنی‌ها علیه ناوگان آمریکایی منجر به آسیب جدی به آنها خواهد شد؛ مسأله‌ای که چهره شکست‌ناپذیر قدرت‌های غربی را در هم خواهد شکست و اعتماد به نفس صهیونیست‌ها را بیشتر از قبل کاهش می‌دهد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از وطن امروز، طی هفته‌های گذشته به ویژه پس از سقوط دولت سوریه عملیات‌های پهپادی و موشکی متعددی را علیه رژیم صهیونیستی در قالب پنجمین مرحله از عملیات‌های نیروهای مسلح یمن در حمایت از مقاومت غزه انجام دادند؛ عملیات‌هایی که به موازات محاصره بنادر جنوبی رژیم صهیونیستی در دریای سرخ ادامه دارد و ضربات متعددی را به اقتصاد و امنیت رژیم صهیونیستی وارد کرده است. دور جدید عملیات‌های موشکی و پهپادی یمن اما متفاوت از عملیات‌های سابق است؛ عملیات‌هایی که یا تعداد کمتری موشک انجام می‌شود اما قدرت و دقت بیشتری دارد. در دور جدید عملیات‌های موشکی یمن علیه رژیم صهیونیستی در حمایت از مقاومت غزه، موشک‌های مافوق صوت «فلسطین ۴۲» به صورت دو فروندی و حتی تک فروندی از خاک یمن علیه رژیم صهیونیستی شلیک شده است و این موشک‌ها از سپرهای چند لایه پدافندی ارتش رژیم صهیونیستی بدون مشکل خاصی عبور می‌کنند و عمق سرزمین‌های اشغالی را هدف قرار می‌دهند. ضربات سهمگین و کاری یمنی‌ها به قدری تاثیر گذار بوده است که حتی دفاع هوایی ضد پلاستیک آمریکا که استقرار آن در سرزمین‌های اشغالی سر و صدای بسیاری به راه انداخته بود توانایی مقابله با آنها را ندارد و همین مساله نیز منجر به ایجاد وحشت و ناامنی در عمق سرزمین‌های اشغالی شده است.

ضربات که تاکنون به سوی هدف قرار دادن تاسیسات استراتژیک صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی رفته اما نشان داده است توان این کار را نیز دارد و پدافند هوایی چندلایه گران‌قیمت و پرمدعای رژیم صهیونیستی توان مقابله با آن را ندارد.

عملیات‌های یمنی‌ها و جنبش انصارالله علیه رژیم صهیونیستی بار دیگر رژیم صهیونیستی را در موضع ضعف قرار داده است و حملات متجاوزانه متعدد صهیونیست‌ها و حملات ایذایی آمریکا و انگلیس نیز نتوانسته در مقابل این عملیات‌ها بازدارندگی ایجاد کند. مقاومت یمن و مردم مظلوم این کشور بارها به رغم حملات و تجاوزات وحشیانه صهیونیست‌ها و متحدان غربی‌شان دست از حمایت از فلسطین نکشیده و همچنان به عملیات‌های حمایتی خود از نوار غزه ادامه می‌دهند؛ عملیات‌هایی که به تهدید جدی برای رژیم صهیونیستی تبدیل شده است و به رغم تسلط رژیم بر بلندی‌های جبل‌الشیخ و سقوط دولت سوریه، همچنان منجر به تامین امنیت صهیونیست‌ها و عادی شدن وضعیت در سرزمین‌های اشغالی نشده است؛ مساله‌ای که به کابوس این روزهای رژیم صهیونیستی منجر شده است و شهرک‌نشینان را همچنان و پس از آتش‌بس لبنان به پناهگاه‌ها می‌کشاند. همین مساله و ناتوانی صهیونیست‌ها و متحدانش در ایجاد بازدارندگی برای رژیم صهیونیستی نیز منجر به شکست اعتماد به‌نفس و ژست پیروز آنها شده است. پس از سقوط دولت سوریه برخلاف انتظار غربی‌ها و صهیونیست‌ها افزایش توان تهاجمی و نظامی یمن علیه رژیم صهیونیستی منجر به حفظ فشار محور مقاومت بر سرزمین‌های اشغالی شد و از سوی دیگر عملیات‌های مجاهدان قسام در نوار غزه نیز برای صهیونیست‌ها کشنده‌تر و مخرب‌تر شده است. از سوی دیگر کرانه باختری نیز دستخوش تحولات مهمی شده است که امنیت صهیونیست‌های شهرک‌نشین را بسیار بیشتر از نواحی نزدیک به نوار غزه تهدید می‌کند. مجموع این تحولات منجر به عقب‌نشینی مقامات صهیونیست مقابل محور مقاومت و ادعای پیروزی قاطع بر آن شده است. این در حالی است که تهدید مقامات یمنی علیه رژیم صهیونیستی همچنان وارد مرحله ششم عملیات‌های انصارالله یمن نشده است. در صورت ادامه تعرضات صهیونیست‌ها و متحدان غربی آنها علیه یمن و غزه ورود به مرحله ششم عملیات‌های یمنی‌ها علیه رژیم صهیونیستی بسیار محتمل است و مقاومت یمن در این مرحله از تسلیحات و عملیات‌های کوبنده جدیدی رونمایی خواهد کرد؛ عملیات‌هایی که ناوگان دریایی و جنگنده‌های ائتلاف غربی نیز توان مقابله با آن را نخواهند داشت و مانند عملیات اخیر یمنی‌ها علیه ناوگان آمریکایی منجر به آسیب جدی به آنها خواهد شد؛ مساله‌ای که چهره شکست‌ناپذیر قدرت‌های غربی را در هم خواهد شکست و اعتماد به نفس صهیونیست‌ها را بیشتر از قبل کاهش می‌دهد. این رویکرد در سخنان رهبران و فرماندهان انصارالله یمن که اخیرا توسط مقامات رژیم و دولت‌های غربی به ترور تهدید شده‌اند نیز نمایان است و بعید است ترور فرماندهان و حملات هوایی به یمنی که در مسیر مبارزه با رژیم صهیونیستی آماده‌اند تا کارآیی حداکثری است تاثیری بگذارد.

ثبت‌نام بیش از ۸۰۰ هزار داوطلب در نوبت اول کنکور سراسری

اختصاص نمره در ۳ گروه

علوم تجربی | علوم انسانی | ریاضی و فنی

نمرات آزمون ٪۴۰ | سوابق تحصیلی ٪۶۰

اختصاص نمره در گروه آزمایشی

زبان‌های خارجی | هنر

نمرات آزمون ٪۷۰ | سوابق تحصیلی ٪۳۰

آزمون سراسری نوبت اول ۱۱ و ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۴

توزیع کارت ورود به جلسه ۸ تا ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴

نتایج نهایی نیمه دوم شهریور ۱۴۰۴

ISNA

برش

آیا اجازه داریم از زنان مجتهد تقلید کنیم؟

استاد جامعه الزهرا تاکید کرد: برای تحقق مرجع تقلید سه مرحله اجتهاد، صدور فتوا و امکان رجوع به آن برای تقلید باید سپری شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، استاد جامعةالزهرا خدیجه هاشمی در یادداشتی نوشت: در رابطه با تقلید از بانوان دو نظریه وجود دارد که نظریه مشهور بیان می‌کند که یکی از شرایط مرجع تقلید «رجل بودن» است. این گروه با استناد به دو دلیل این نظریه را مطرح می‌کنند. دلیل اول آیات قرآنی مبنی بر برتری مرد به زن است. دلیل دوم روایاتی مانند عمر بن حنظله و ابی خدیجه است که وقتی به امام معصوم(ع) رجوع کردند امام از عبارت رجل منکم و منکم (مردانی از شما) استفاده کردند به همین خاطر استناد می‌کنند که مرد بودن موضوعیت دارد. برخی از متأخرین و متفکرین جامع‌العلوم مانند شهید مطهری و آیت‌الله جوادی آملی این نظریه را نپذیرفته‌اند که نشان می‌دهد مخالفت با نظریه مشهور اختصاص به رهبر معظم انقلاب ندارد و نظریه اجماعی است.

برای تحقق مرجع تقلید سه مرحله اجتهاد، صدور فتوا و امکان رجوع به آن برای تقلید باید سپری شود؛ مرحله اول اجتهاد است که در این امر شبهه‌ای وجود ندارد و همه پذیرفته‌اند که زنان می‌توانند به مرحله اجتهاد برسند. مرحله دوم صدور فتوا و استخراج حکم است که این امر نتیجه اجتهاد است و در این نیز اختلاف نظری وجود ندارد و همه پذیرفته‌اند که زنان می‌توانند فتوا بدهند. مرحله سوم این است که آیا حکمی که بانوان استخراج کردند اثر عملی دارد و کسانی می‌توانند از حکم او استفاده کنند و به او به عنوان یک مرجع علمی، دینی و شرعی مراجعه کنند و شارع رجوع ما را به او جایز می‌داند یا خیر؟ که در این مرحله اختلاف نظر وجود دارد. یکی از ادله جواز تقلید سیره عقلا است. بنای عقلا بیان می‌کند که تقلید از باب رجوع جاهل به عالم است یعنی عقل حکم می‌کند برای حل یک مسئله مجهول باید به عالم رجوع کنیم و شرع نیز بر این امر صحه گذاشته است. ادله در این جا مطلق هستند و قابلیت تطبیق بر هر عالمی دارد به همین خاطر تفاوتی بین زن و مرد نیست.

امام حسن عسکری(ع) درباره علما فرمودند: «فَاَمّا مَنْ کانَ مِنَ الفُقَهاءِ صائِنًا لِنَفْسِه حافِظًا لِدینِه مُخالِفًا لِهَواهُ مُطیعًا لِاَمرِ مَولاهُ فَلِلْعَوامِّ اَنْ یُقَلِّدُوهُ» هر یک از فقها که بر نفس خود مسلّط باشند و دین خود را حفظ کنند و با هوای نفس خود مخالفت ورزد و امر خدا را اطاعت کند، بر همگان واجب است که از او تقلید نمایند». این روایات قابلیت تطبیق بر هر عالمی اعم از زن و مرد را دارد.

آیه «فَسْئَلوا اَهلَ الذِّکرِ اِن کُنتُم لا تَعلَمونَ» اگر نمی‌دانید از اهل اطلاع سؤال کنید» از این ادله می‌توان نظریه قائلین لزوم تقلید از مرد را رد کرد؛ زیرا اهل ذکر اطلاق دارد و شامل زن و مرد می‌شود و باید بررسی کرد که چه کسی این شرایطی را دارد.

رهبر معظم انقلاب بر اساس این دیدگاه فرمودند وقتی زنی با تلاش به درجه علمی می‌رسد که اعلم‌تر از دیگر است هم به خاطر این که احاطه علمی دارد و برای او کشف حقیقت شده است و هم برای اینکه احاطه به موضوع دارد و برای او به عنوان زن ملموس‌تر است امکان تطبیق قاعده علمی برای آن موضوع برای او دقیق‌تر انجام می‌گیرد به همین خاطر رهبر معظم انقلاب فرمودند در برخی از مسائل خانم‌ها می‌توانند مرجع تقلیدشوند.

این نظریه می‌تواند منشأ خیرات و برکات زیادی باشد از جمله اینکه بانوان اهتمام بیشتری به درس فقه داشته باشند؛ مرجعیت زنان در طول تاریخ سابقه دارد از جمله اینکه وقتی گروهی برای سؤال نزد امام موسی کاظم(ع) آمدند و ایشان در خانه نبودند. حضرت معصومه(س) به جای ایشان پاسخ دادند و زمانی که امام موسی کاظم(ع) پاسخ سؤالات را دیدند فرمودند «فداها ابوها».

همچنین روایاتی وجود دارد که امامان برخی از مراجعاتی که به آن‌ها برای سؤال می‌شده است را به زنان عالمه (مانند مادر امام کاظم علیهم السلام) ارجاع می‌دادند. این روایات نشان می‌دهد که مانعی برای زنان در این زمینه وجود ندارد و می‌تواند به جایگاه علمی برسد که مرجع و منبع رجوع علمی و شرعی شود.

باید مراقبت کنیم برخی از این نظریه سو استفاده نکنند. این نظریه این گونه نیست که اجازه علمی داده شده باشد که هر کسی هر نظری را ابراز کرد مجتهده است و باید پیروی کرد باید در این زمینه آسیب شناسی صورت بگیرد و متفکرین اعم از زن و مرد و مجامع علمی جارچویی برای آن بیان کنند تا هر کسی درسی را در موضوعی تدریس می‌کند تصور نکند می‌تواند در آن اجتهاد کند.